



عکس: Reuters

ناواقع گرایی آمریکایی

اهالی واشنگتن، ایده‌های تاریخ گذشته و اهداف غیرواقع گرایانه را در پیش گرفته‌اند

اندیشکده «شورای روابط خارجی» رو‌خانا، نماینده کالیفرنیا از مجلس نمایندگان که پیشگام تلاش در این زمینه است گفت به رسمیت شناختن کشور فلسطین از سوی ایالات متحده، راه حل دودولتی را پیش خواهد برد: «این به مردم در منطقه امید خواهد داد، راه حلی مجسم و ملموس خواهد بود برای دورشدن از حماس»، اگر موضع اخلاقی و علاقه جدی و قابل تمجید خانا برای حل و فصل درگیری اسرائیل

نیست. حمله به عراق، «برنامه آزادی» و نسخه‌های مختلف فرایند صلح اسرائیلی فلسطینی، همه نمونه‌هایی از تقاطع خیال‌پردازی آمریکایی و ناکامی در چند دهه اخیر هستند؛ با این همه، توهمات همچنان پافشاری می‌کنند. بهترین مثال برای این موضوع، غرغره‌های زیرلب از سوی ۲۶ عضو دموکرات کنگره است که حامی به رسمیت شناختن کشور فلسطین هستند. هفته گذشته، در جلسه‌ای علنی در



استیون ای کوک

کارشناس خاورمیانه
در شورای روابط خارجی



اطمینان خوبی دارم که در هیچ جای دنیا، تضاد بین واقعیت عینی و سیاست خارجی ایالات متحده، از خاورمیانه بیشتر

مصر و احساس تهدید از سوی اسرائیل

نگرانی قاهره نسبت به اقدامات تل‌آویو، بعد از حمله به دوحه جدی شده است

دوم، این اتفاق سؤالاتی جدی پیش می‌کشد، درباره تعهد ایالات متحده به امنیت خلیج [فارس]. ایالات متحده در پیشگیری از حمله اسرائیل به متحدی مهم در منطقه، ناکام بود. برخی گزارش‌ها هم حاکی از این‌اند که از پیش به ایالات متحده درباره حمله خبر داده شده بود. سیستم‌های دفاع هوایی در پایگاه هوایی العدید، در جریان حملات موشکی ایران در آوریل ۲۰۲۴ و ژوئن ۲۰۲۵ نقشی حیاتی در دفاع از اسرائیل و قطر بازی کردند، اما در جریان حملات به دوحه، ساکت بودند.

ممکن است نتانیاهو کشتن رهبران سطح بالای حماس را به عنوان یک پیروزی در سیاست داخلی ببیند؛ اما به نظر می‌رسد هدف اصلی خارج کردن مذاکرات از مسیر بوده و خرید نظام برای پیشبرد عملیات نظامی جدید در شهر غزه، به‌اضافه اجبار آوارگی فلسطینیان به جنوب نوار، نزدیک مرز مصر. قاهره نگران است که شاید این بخشی از برنامه‌ای گسترده‌تر برای بیرون راندن فلسطینیان به درون قلمرو مصر باشد. در واقع، برخی دیپلمات‌های مصری فکر می‌کنند شاید نتانیاهو فعالیت‌ها را به دنبال تشدید تنش در منطقه، در خدمت پروژه «اسرائیل بزرگ» باشد. در مصاحبه‌ای در

به نظر می‌رسید نشست ۲۰۲۲ نقب، صحنه را برای واقعیت امنیتی جدیدی در خاورمیانه آماده خواهد کرد که در آن اسرائیل به عنوان متحدی برای برخی کشورهای عربی تصویر خواهد شد و ایران نمایانگر بزرگترین تهدید علیه ثبات منطقه؛ اما بسیار محتمل است که حمله به قطر، دول عربی را بر آن دارد که نتیجه بگیرند، اسرائیل حالا تهدید اصلی‌شان است، به دودلیل.

اول، این حمله برای سیاست‌گذاران منطقه‌ای حاکی از این است که دولت نتانیاهو حالا ضمیمه‌سازی قلمرو به خود را برای ممانعت از تشکیل کشور فلسطینی در اولویت قرار داده است، بالاتر از عادی سازی با عربستان سعودی و دیگران. ضمیمه‌سازی، سیاست اعلام شده دولت اسرائیلی نیست، اما ائتلاف نتانیاهو شامل اعضای راست افراطی مثل بتزال اسموتریچ می‌شود که ۳ سپتامبر، برنامه‌ای برای ضمیمه کردن ۸۲ درصد از کرانه باختری را پیش گذاشت. خود نتانیاهو هم ۱۱ سپتامبر، در حال بازدید از شهرک‌های گسترش یافته اسرائیلی در شرق اورشلیم [بیت المقدس] اعلام کرد «کشور فلسطینی هرگز تشکیل نخواهد شد».

از نقب تا دوحه

احمد ابودوح

کارشناس روابط بین‌الملل،
امنیتی و ژئوپلیتیک



روز ۱۵ سپتامبر، رهبران از سراسر خاورمیانه در نشست اضطراری دوحه جمع شدند تا حمله ۹ سپتامبر اسرائیل به مذاکره‌کنندگان حماس در قطر را محکوم کنند. اعلامیه مشترک این نشست از همه دولت‌ها خواست درباره «روابط دیپلماتیک و اقتصادی» با اسرائیل بازنگری کنند و «علیه‌اش، اقدامات قانونی کلید بزنند». در این نشست، عبدالفتاح السیسی، رئیس‌جمهور مصر، شدت ادبیاتش علیه اسرائیل را به‌تندی بالا برد و به نظر می‌رسد دارد اسرائیل را «دشمن» توصیف می‌کند. از زمانی که او در سال ۲۰۱۴، بر مسند نشست، این اولین بار است که او چنین ادبیاتی به کار می‌برد. سیسی به رأی دهندگان اسرائیلی هشدار داد که سیاست‌های دولت‌شان، «فرصت‌ها را برای هر گونه توافق صلح جدید تخریب می‌کند و حتی توافقات صلح موجود را متوقف می‌کند». سیسی دغدغه‌هایی هم درباره آواره‌سازی اجباری فلسطینیان مطرح کرد و علیه «ریشه‌کن کردن فلسطینیان از سرزمین‌شان» سخن گفت. حرف‌های او، بازتاب احساس تهدید مصر است. حمله اسرائیل به دوحه و هشدار بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل که اسرائیل ممکن است دوباره به حماس در قطر یا در کشورهای دیگر، «هر جا که باشند»، حمله کند، کاملاً این احساس را تغییر داده است. به‌رغم وجود معاهده صلح بین دو طرف، چشم‌انداز هدف قرار گرفتن رهبران حماس در قاهره را از سوی اسرائیل، جدی می‌گیرد. مصر نگران این هم هست که در سایه حمله گسترش یافته به شهر غزه، اسرائیل برنامه داشته باشد، فلسطینیان را به زور از غزه خارج کند و به منطقه سینا در آن سوی مرز بفرستد. احتمالاً مصر تلاش خواهد کرد از دیپلماسی، ارتش و نقشش به عنوان میانجی بین اسرائیل و حماس استفاده کند تا این تهدیدات را عقب بزند. ممکن هم هست، از ادراکات در حال تغییر دول حاشیه خلیج [فارس] نسبت به اسرائیل به عنوان اهرمی استفاده کند تا پیشنهادش برای اتحاد نظامی عربی به شکل ناتو و با رهبری خودش را احیا کند. با این حال، هر تلاش این چنین با چالش‌های قابل توجهی مواجه خواهد شد: برخی همسایگان عرب اولویت‌های امنیتی متفاوتی دارند. منافع ایالات متحده هم ممکن است در این میان مداخله کند.



آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.

Atlantic Council

محاسبات اعراب پس از بمباران دوحه

وقتی قدرت‌های منطقه‌ای، روز ۱۵ سپتامبر در دوحه جمع شدند، اگر نه انتظارات، امیدهایی وجود داشت که آن‌ها حول موضعی سرسختانه‌تر علیه اسرائیل اجماع خواهند کرد و نیز حول فرمولی برای رسیدن به آتش‌بس در غزه. این نشست، فرصتی از دست رفته از کار درآمد، از آن‌جا که کشورهای شرکت‌کننده، خواستار اقدام مشخصی نظامی یا اقتصادی نشدند، اما این گردهمایی، بذر آنچه را ممکن است در راه باشد، کاشت. این در شرایطی است که سیاست‌های ایالات متحده اغلب به عنوان بخشی از مشکل دیده می‌شوند، با اینکه می‌توانند بخشی از راه حل باشند. در طول زمان، انتقادات بین‌المللی از پیگیری جنگ اسرائیل، تشدید شده و حالا به گستره‌ای از پایکوت‌ها، اقدامات قانونی علیه اسرائیل بابت نقض قوانین بین‌المللی و تعهدات کشورهای برای به رسمیت شناختن کشور فلسطین رسیده است. حمایت از اسرائیل در ایالات متحده به کف بی‌سابقه‌ای رسیده، هم در کنگره و هم در میان رأی‌دهندگان، به‌خصوص دموکرات‌ها و مستقل‌ها. حمایت داخلی در اسرائیل برای توافق جهت آزادی همه گروگان‌ها همچنان بالاست و رهبران ارتش درباره فرسودگی و روحیه پایین در میان نیروهای ذخیره هشدار می‌دهند.

با همه این‌ها، تا قبل از حمله غیرمسئولانه اسرائیل به دوحه که با انتقاد گسترده مواجه شد، به نظر می‌رسید این الگو احتمالاً با مقاومت اندک منطقه‌ای ادامه خواهد یافت تا وقتی نتانیاهو تصمیم بگیرد اعلام پیروزی کند. ممکن است این حمله معادله را تغییر داده باشد. اهداف مورد نظر هر چه بودند، پیامدهای حمله به دوحه عمده‌تاً تحت یکی از این سه دسته‌بندی قرار می‌گیرند: اول، حمله اسرائیل مذاکرات آتش‌بس را به خطر انداخت و شاید به پایان رساند، چون سریع‌ترین راه برای ارسال پیام بی‌میلی به مذاکره، تلاش برای کشتن طرف‌های مذاکره است. توقف مذاکرات هم گروگان‌ها در غزه، فلسطینیان ساکن غزه و شهرت و جایگاه بین‌المللی اسرائیل را در معرض خطر بیشتر قرار می‌دهد. دوم، این اقدام ترامپ را شرمسار کرد. او گفته پای این حمله را امضا نکرده بود. دولت قطر را شرمسار کرد که در حفاظت از شهروندان و مهمانانش ناکام ماند. اسرائیل شرکایش در منطقه را هم شرمسار کرد، به‌خصوص کشورهای عضو پیمان ابراهیمی، فقدان موفقیت مشخص در این حمله هم شرمساری برای اسرائیل است. سوم، قوانین بین‌المللی را تضعیف کرد. موضع ایالات متحده را به عنوان شریک و محافظ در منطقه حاشیه خلیج فارس تضعیف کرد. اعتماد دیپلماتیک را بین اسرائیل، کشورهای پیمان ابراهیمی و شرکای اسرائیل در منطقه، تضعیف کرد.

محکومیت شدید و تقریباً همگانی حمله به دوحه، حاکی از این امکان است که این رخداد، اتفاقی باشد که مسیر نخوت و سلطه اسرائیل در منطقه را تغییر می‌دهد. ایالات متحده این تغییر را پیش نخواهد برد. حمله نتانیاهو متحدان رزشمند غیرناتویی آمریکا، ترامپ را محکوم در جمع رؤسای جمهور کلافه از دست او قرار داد؛ از طرف دیگر اما کشورها در منطقه کم‌کم دارند متوجه می‌شوند که اهرمی برای محدود کردن خشونت اسرائیل دارند. اعلامیه پایان نشست مشخص کرد که هنوز برای استفاده از این اهرم مردد هستند. ترکیه اولین گام‌های بزرگ را برای اعمال هزینه‌های واقعی علیه اسرائیل برداشت، شامل قطع همه روابط اقتصادی و تجاری و بستن حریم هوایی بر جنگنده‌های اسرائیلی در ماه گذشته. این ماه، امارات متحده عربی هشدار داد، ضمیمه‌سازی کرانه باختری از سوی اسرائیل، «خط قرمز» را زیر پا خواهد گذاشت و حضور شرکت‌های اسرائیلی را در نمایشگاه هوایی پیش‌رو در ماه نوامبر در دوی ممنوع کرد. یک هفته پس از اعلام این موضوع، واشنگتن پست گزارش داد موضوع ضمیمه‌سازی از دستور کار دولت اسرائیل خارج شده است. در مواجهه با انفعال ایالات متحده، حرکت امارات متحده عربی حاکی از این است که شاید منطقه حالا مایل باشد، دیپلماسی قدرت را بیشتر به کار گیرد. برای توجه به این خطر و پرهیز از آن لازم نیست حتماً روابط قطع شوند. واکنش اسرائیل به موضع‌گیری امارات درباره «خط قرمز» هم این را ثابت کرد. رهبران عرب صرفاً باید جدیت هدف را منتقل کنند. اگر هویج حرکات ملموس در جهت همبستگی با اسرائیل زیر حمله کافی نبوده، اگر انفعال در مواجهه با کشته‌شدن ده‌ها هزار نفر که مثل خودشان عرب بودند، کافی نبوده، پس شاید زمان چماق توقف وضعیت عادی رسیده است.